

نشریه سنگ کاغذ قیچی



قیمت ۵۰۰ تومان

ماه نامه مستقل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی سنگ کاغذ قیچی  
مدیر مسئول و صاحب امتیاز: محمد توران پور  
سر دبیر: محمد احمدی  
دبیر سیاسی: محمدعلی اکبری  
همکاران: رضا ملکی، محمدعلی حاتمی، الهه شجاعی  
باتشکر از اداره کل امور فرهنگی و واحد نشریات دانشگاه اصفهان

# گفتگو با دکتر محسن رئانی

عضویت علمی گروه اقتصاد

فقه حوزوی  
هنوز تکامل  
لازم برای  
اینکه یک نظام  
سیاسی را  
طراحی کند،  
پیدا نکرده  
است.



## جامعه

- ۲ چرا اینگونه شدم؟ چرا؟
- ۳ زنان پیشگامان تمدن مدرن اند

## سیاسی

- ۴ یادداشتی به بهانه ی سالروز دوم خرداد
- ۸ نوشتاری در باب توافق ژنو

## فرهنگ

- ۱۰ چرت بعد از ظهر

## ملنر

- ۱۱ دل ، وا --- پس ؟

## سرمقاله



محمد توران پور

یادمان نمیروود لحظه ای را که مصطفی محمدنجار، دکتر روحانی را با کسب بیش از ۱۸ میلیون رای به عنوان رئیس جمهور دوره یازدهم معرفی کرد. راست مدرن، ریاست قوه مجریه کشور را با ۱۶ سال فاصله دوباره بدست گرفت. یادمان نمیروود که ایرانیان به نماینده قشر رادیکال که سال های گذشته حاکم کشور بود نه گفتند. ایرانیان هم یادشان می ماند که قشری گری و رفتار غیر اعتدالی این گروه چگونه پتانسیل های کشور را سرکوب کرد، چگونه کشور را از حالت عادی خود خارج کرد. یادمان می ماند که چگونه با گفتار و رفتار غیر اصولی و احساسی کشور وارد انزوا شد و اجماع جهانی علیه ایران شکل گرفت. اما امروز خوشحالیم اگر دیروز درخواست مجوز می دادیم با بهانه های مختلف اجازه ی انتشار نداشتیم و مجوز نمیگرفتیم. اما امروز به خاطر فضای دانشگاه توانستیم یک نشریه ی دانشجویی مستقل را منتشر کنیم. کمک دوستان، فضای ایجاد شده در دانشگاه و همت همکارانمان به ما کمک کرد تا اولین شماره ماه نامه سنگ کاغذ قیچی چاپ شود. حال در سرمقاله شماره اول باید به دو نکته اشاره کنیم، که اشاره به آنها اجتناب ناپذیر است:



## گفتگو با دکتر محسن رنایی



محمدعلی اکبری

دکتر رنایی را نه با کتاب هایش و نه با سخنرانی های جذابش بلکه از ارتباطش با دانشجویان و خوش خلقی هایش می شناسیم. مدتی بود که دوست داشتیم گفتگویی صمیمی با دکتر داشته باشیم. شماره اول سنگ کاغذ قیچی بهانه خوبی بود تا هم خودمان با ایشان صحبت کنیم، هم سخنان و دغدغه هایمان را با شما به اشتراک بگذاریم. در گفتگو زیر سعیمان این بوده است که با دکتر بی پرده و چالشی صحبت کنیم. امید است که این مصاحبه شروع یک سلسله مصاحبه هایی شود، تا دیگر مسائل ریشه ای مطرح در اقتصاد کشورمان را با ایشان مطرح کنیم و پاسخ بشنویم.

هیچ به اروپایی ها نخورد ولی این دو روح توسعه را داشته باشی، شما توسعه یافته هستی.

پس تقریباً شد همان نظر دکتر سریع القلم که توسعه یک بخش ثابت دارد و یک بخش متغیر. در مورد بخش ثابت از حرف شما این گونه استنباط میشود که همان راهی را که اروپایی ها و امریکایی ها رفته اند ما هم باید طی کنیم. اما در مورد بخش متغیر سوال این است که بخش متغیر توسعه در مورد ایران چه ویژگی هایی دارد یا کلیت شما این آن چیست؟

بخش ثابتش پس شد نوسازی یا مدرنیزاسیون. میماند بخش کیفی که نمود بیرونی آن متغیر، اما مفهوم درونیش ثابت است. نمود بیرونی اش مثل لباس پوشیدن، مراسم عمومی گرفتن، ازدواج کردن، جشن برگزار کردن، صحبت کردن و ... است که متغیر است. یعنی قیافه توسعه میتواند فرق داشته باشد. اما همه این بخش بیرونی که میتواند متفاوت باشد دارای یک روح درونی است که دو ویژگی دارد رواداری و قانون مداری. حالا برای مردم ایران بخش مادی توسعه باید مثل غرب باشد. طبیعی است، یعنی شما باید جاده خوب بسازی، هواپیمای خوب سوار بشی. روح پایدار توسعه هم که در بخش کیفی بود باز هم یکسان است. اما نماد بیرونی که متفاوت است قابل تجویز نیست و البته مهم هم نیست. یعنی مهم نیست شکل لباس های شما چگونه باشد، مدل موهای شما چگونه باشد، چطور جشن بگیرد، مثل ۲۵۰۰ سال پیش جشن بگیرد، هر روشی که دوست دارید عزاداری کنید ولی اگر قانون مدار و روادار نباشی شما توسعه یافته نیستی. اگر این نباشد شما چه مدل مویتان فشن باشد، توسعه نیافته ای چه ریش و تسیخ داشته باشی باز هم توسعه نیافته ای. از آن طرف هم هست شما ممکن است قیافه و ظاهر خیلی سنتی و مذهبی باشد ولی در رعایت حقوق همسرت و اعضای خانواده ات روادار باشی، مثل دنیای مدرن احترام بگذاری، آن وقت با ظاهر سنتی شما توسعه یافته هستی. در واقع در بعد کیفی توسعه به رفتارهای ظاهری توجه نمیشود.

پس بخش متغیر توسعه هم قابل تجویز نیست یعنی در مورد توسعه با توجه به صحبت های شما میتوان گفت بخش مادی آن ثابت است و بخش کیفی دارای دوبخش بیرونی و درونی است که بیرون آن ظاهری است و اهمیت ندارد و درون آن قانون مداری و رواداری است.

رواداری خیلی گسترده و مهم است. وقتی میگوییم رواداری یعنی شما به مذاهب گوناگون احترام میگذارید، دیگر تکفیر ندارید، اینجا شما برای عقاید مختلف، احزاب مختلف، حق قائل هستید احترام میگذارید. دیگر در رقابت های سیاسی بی اخلاقی نمیکنید، به تفکیک قوا احترام میگذارید، به مطبوعات آزاد احترام میگذارید و نظایر آن، یعنی خیلی دامنه ی بزرگی دارد.

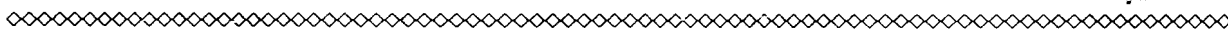
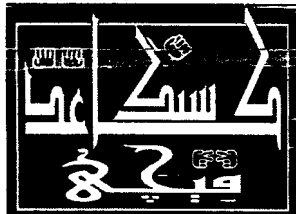
وقتی در سال ۵۷ در ایران انقلاب شد، یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی تامین معاش و دنیای مردم بود که یعنی همان اقتصاد. حدوداً ۳/۵ دهه از انقلاب گذشته است اما در کشور چه از سوی دولتمردان و چه از طرف اهالی علم اقتصاد هنوز به یک برنامه جامع و

در مبحث توسعه یک اختلاف وجود دارد که این اختلاف بیشتر در داخل کشور ما مطرح است و موضوع آن این است که عده ای معتقدند که اصول توسعه ثابت است و بعضی دیگر این اصول را متغیر میدانند. در واقع دسته دوم هستند که توسعه بومی را مطرح میکنند. دکتر سریع القلم به عنوان یکی از بزرگترین نظریه پردازان حال حاضر ایران در زمینه توسعه تلفیق این دو را مطرح میکنند. حال سوال ما از شما این است که کدام یک از این نظرات را قبول دارید یا اینکه شما نظری جدا از این دسته بندی را مطرح میکنید؟

توسعه دو بعد دارد بعد کمی یا مادی و بعد کیفی یا ذهنی. در مورد بعد مادی باید گفت اصول ثابتی دارد که اسمش را میگذاریم مدرنیزاسیون یا نوسازی. یعنی ظاهر زندگی باید صورتی نو پیدا کند. خیابان و کارخانه و دانشگاه ساختن. بهداشت، بیمارستان واکسیناسیون، توسعه شهرها و ... اینها شامل بعد کمی میشوند. بعد کمی توسعه، رفاه می آورد و در همه جای دنیا ثابت و یک شکل است. اما بعد کیفی و ذهنی توسعه الزاماً شبیه به هم نیست یعنی بعد ذهنی توسعه ژاپنی ها یا امریکایی ها فرق میکند. ژاپنی ها وقتی سونامی آمد غارت نکردند ولی امریکایی ها وقتی طوفان آمد غارت کردند

معتقد باشیم دیگران هم حق دارند، حق اظهار نظر دارند و نظراتشان محترم است حتی اگر من قبول نداشته باشم، حق دارند تبلیغ کنند

هر دو هم توسعه یافته هستند. ولی نحوه رفتار فرق میکند. به این مفهوم که در شرایط نرمال هم ژاپنی ها و هم امریکایی ها هر دو آدم های خوبی هستند، اما در شرایط خاص ژاپنی ها هم چنان آدم های خوبی میمانند ولی امریکایی ها آدم های خوبی نمیمانند. بعد ذهنی توسعه به این مفهوم است که به قانون احترام بگذاریم، به حقوق دیگران احترام بگذاریم و مهم تر از همه این که در مناسبات اجتماعی خود روادار باشیم. اینکه معتقد باشیم دیگران هم حق دارند، حق اظهار نظر دارند و نظراتشان محترم است حتی اگر من قبول نداشته باشم، حق دارند تبلیغ کنند. این که همه نظرات برآمده از انسانها، خطا دارد. هیچ نظر مطلقی وجود ندارد و نظایر این. دموکراسی اگر روح رواداری در آن حاکم نباشد ارزش ندارد. الان در درون دموکراسی ایرانی روح رواداری حاکم نیست. همیشه هر کس برنده میشود خودش را برحق میدانند و بقیه را ناحق، فکر میکنند نظرنهایی با من است، حقیقت با من است و قبلی ها همه فاسد بوده اند. از این منظر دموکراسی واقعی در کشور ما وجود ندارد چون روح رواداری وجود ندارد. پس در بعد کیفی هم یک روح پایدار وجود دارد و آن قانون گرایی و رواداری است. یعنی در بعد اجتماعی شما قانون مدار باش و در بعد شخصی روادار. به دیگران و نظراتشان احترام بگذار حتی اگر قبول نداری، توسعه یعنی همین، حالا ممکن است شما در هند باشی. لباسهایت

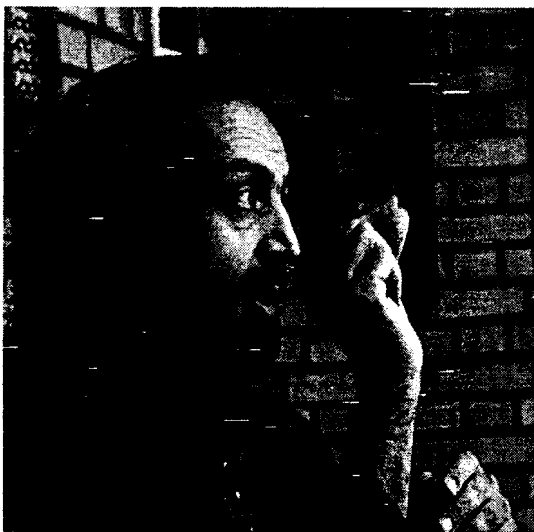


حقوقی این است که فقه حوزوی خالص را برداشت و یک مرتبه استفاده کرد. این فقه باید میرفت در یک کارخانه فلسفی و فکری و هرمنوتیکی فراوری میشد که این اتفاق نیفتاد. باید فقه حوزوی به فقه سیستمی تبدیل میشد ولی نشد. پس از دوسو برای توسعه با مشکل روبرو هستیم. از یک سو مردم که به دروغ رفتاری مبتلا هستند و از سوی دیگر نظام سیاسی متکی بر نظام حقوقی ای است که توسعه را نمیفهمد، چه برسد به آنکه بخواهد برای آن برنامه نویسی کند. تا این دومورد رفع نشود فرایند توسعه در ایران شکل نخواهد گرفت. به خاطر همین است که مدرنیزاسیون از اوایل قرن چهارده شمس شروع شده و یک بار دیگر هم از دهه ۴۰ شمسی فرایند آن تسریع شده است ولی هنوز مدرنیته شروع نشده است.

با روی کار آمدن دولت دکتر روحانی در خرداد ماه سال گذشته که در اقتصاد به معنای روی کار آمدن همان راست مدرن دوره سازندگی است، مردم انتظارات بسیاری از این دولت پیدا کردند. حال سوال این است که آیا دولت نقشش در اقتصاد تعیین کننده تر است یا دیگر نهاد های حکومتی.

به حتم قدرت اقتصادی نهادهای حکومتی دوبرابر قدرت اقتصادی دولت است. پس به نظر شما آیا این درست است که ایرانیان حل مشکلات اقتصادی را از دولت طلب میکنند و از نهادهای حکومتی پاسخی نمیخواهند؟

نه، میتوان گفت انتظار درستی نیست ولی خود دولت هم اشتباه میکند، فکر میکند میتواند به تنهایی درست کند. تمام مخالفت من با هدفمندی همین بود که هدفمندی فراتر از کار یک دولت است. نظام باید وارد شود، تمام توان و اموالش را بیاورد تا



هدفمندی به نتیجه برسد.

مدون روی کاغذ و به یک حرکت ممتد که سرانجامش توسعه پایدار باشد نرسیده ایم. حال سوال این است که مشکلات اقتصادی کشور، فقر، تورم، بیکاری و ... که حاصل همین بی برناسگی است در کجا ریشه دارد؟ آیا ریشه مشکلات اقتصادی کشور در حوزه اقتصاد است یا نه باید در حوزه های دیگری به دنبال مشکل بگردیم؟

بخشی از آن برمیکردد به فرهنگ مردم و بخش دیگری به نظام سیاسی کشور. مردم ما به لحاظ ژنتیکی تعدادی از عناصر فرهنگی لازم برای توسعه را ندارند که زمان میبرد و بسیار طول میکشد تا این عناصر را بدست بیاورند.

یکی از مهم ترین  
ژن های ضد توسعه که درون  
مردم ما هست، ریا است.

یکی از مهم ترین ژن های ضد توسعه که درون مردم ما هست، ریاست. که به شکل های مختلف در مردم ما ظاهر میشود. به شکل دروغ، به شکل ریا به معنای عرفی آن، به شکل تعارف، به شکل دست بوسی، نقد ناپذیری، عادت نداشتن به نقد، غیبت و به انواع گوناگون دیگر که اینها همه به معنای دروغ رفتاری یا ریا است. توسعه با این ویژگی ها خیلی ناسازگار است. یعنی اگر قرار است که ایران آمادگی لازم برای ورود به پروسه توسعه را پیدا کند اول باید این ویژگی ایرانی ها درمان شود و تا وقتی شما دولت هایی دارید که خودشان این ویژگی را تقویت میکنند، یعنی دولتی که خودش دروغ میگوید یا خودش ریاکار است و ریا را ترویج می کند نمیتوان کاری از پیش برد. همچنین یک ژن ضد توسعه در ساختار حقوقی نظام سیاسی وجود دارد و آن این است که عینا نظام فقهی حوزه برای الگوی حقوقی نظام

سیاسی پیاده شده است. فقه حوزوی هنوز تکامل لازم برای اینکه یک نظام

نظام و دولت یک  
هویت واحد نیستند. دوکارکرد  
متفاوت دارند

واقعا این انتظارات مردم ساخته دست دولت است؟ یا نه، مردم ایران به ذات از دولت توقع رفع مشکل دارند و دیگر نهادها را مسئول نمیدانند؟

مردم ما تفکیکی بین نظام و دولت قائل نیستند. در واقع نظام و دولت را یک هویت واحد میدانند. ولی ما که نگاه میکنیم نظام و دولت یک هویت واحد نیستند. دوکارکرد متفاوت دارند. با این تفکیک است که می گویم الان اصلاح اقتصاد دیگر از توان دولت خارج شده است و کل نظام باید وارد شود تا اصلاحات اقتصادی به نتیجه برسد. در واقع مشکلاتی که امروز اقتصاد ایران گرفتار آن است مشکلاتی نیست که یک دولت بوجود آورده باشد. مشکلاتی است که با مشارکت همه قوای نظام پدیدار شده است. برای حل آنها نیز اکنون باید همه قوای نظام وارد همکاری و مشارکت شوند.

باتشکر از جنابعالی که این وقت را در اختیار ما گذاشتید.

روحانیت قبل از انقلاب  
فقط به درآمد مقلدین وابسته بود، اما  
بعد از انقلاب به بودجه های دولتی هم  
وابسته شد

سیاسی را طراحی و حمایت نرم افزاری کند پیدا نکرده بود و هنوز هم پیدا نکرده است. یعنی باید یک تحولاتی در شیوه آموزش و ساختار حوزه پیدا شود تا فقه بتواند دنیای مدرن را درک کند و برای آن نسخه بپیچد، این تحول هنوز رخ نداده است. از طرف دیگر روحانیت قبل از انقلاب فقط به درآمد مقلدین وابسته بود، اما بعد از انقلاب به بودجه های دولتی هم وابسته شد. و عملا نطفه تحول در روحانیت سنتی از بین رفت. یک فقه سنتی آمده است برسر یک نظام سیاسی. این فقه آمادگی و پویایی لازم برای تدوین یک نظام حقوقی که بتواند عصر مدرن را مدیریت کند، ندارد. بخاطر همین است که دولت میروود در فاز توسعه و اقداماتی می کند بعد همین که به مشکل برمیخورد عقب نشینی میکند. دانشگاه میسازد بعد مجبور میشود دانشجویها را محدود کند. قانون مینویسد که احزاب آزادند بعد احزاب را محدود میکند. چرا، چون به جمع بندی نرسیده است. پس مشکل ژنتیکی ضد توسعه نظام